

دونالد بارتلمی

ترجمه‌ی شیوا مقالو

زنجیرهای



نشر مرکز

زن تسخیر شده
دونالد بارتلمی
ترجمه‌ی شیوا مقالو
ویرایش تحریریه‌ی نشر مرکز
طرح جلد از ابراهیم حقیقی
چاپ اول ۱۳۸۵، شماره‌ی نشر ۷۹۶، ۱۷۰۰ نسخه، چاپ غزال
شابک: ۹۶۴-۳۰۵-۸۸۷-۵

نشر مرکز: تهران، خیابان دکتر فاطمی، روبروی هتل لاله، خیابان باباطاهر، شماره‌ی ۸
صندوق پستی ۵۵۴۱-۱۴۱۵۵ تلفن: ۳-۴۶۲۰۸۸۹۷ فاکس: ۸۸۹۶۵۱۶۹
E-mail: info@nashr-e-markaz.com

همه‌ی حقوق محفوظ و متعلق به نشر مرکز است

بارتلمی، دونالد، ۱۹۳۱-۱۹۸۹ م
Barthelme, Donald
زن تسخیر شده / دونالد بارتلمی؛ ترجمه‌ی شیوا مقالو. - تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۴.
۱۳۶ ص. - (نشر مرکز؛ شماره‌ی نشر: ۷۹۶)
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
ISBN: 964-305-887-5
۱. داستانهای کوتاه آمریکایی - قرن ۲۰ م. الف. مقالو، شیوا؛ گردآورنده و مترجم ب. عنوان.
۸۶ ز ۳۲ الف / PS ۳۵۵۳
۸۱۳ / ۵۴
م ۸۴-۴۰۷۹۹
کتابخانه ملی ایران

فهرست

۷	یادداشت مترجم
۱۵	بعضی از ما دوستان کلیبی را تهدید کرده بودند
۲۱	آغوش معرکه
۲۷	زامبی‌ها
۳۳	سلطان جاز
۴۱	ظهور سرمایه‌داری
۴۹	شهر کلیساها
۵۷	نامه‌ای نوشتم ...
۶۱	جدایی‌ها
۷۳	نوازنده‌ی پیانو
۷۹	مرد شنی
۹۱	اولین کار بدی که بچه کرد
۹۵	رگبار طلا
۱۰۹	زن تسخیر شده
۱۲۵	هیأت اعزامی

یادداشت مترجم

دونالد بارتلمی در هفتم آوریل سال ۱۹۳۱ در فیلادلفیا، پنسیلوانیا، متولد شد و در ۲۳ جولای ۱۹۸۹ به خاطر ابتلا به سرطان درگذشت. پدر و مادرش که از دانشگاهیان پنسیلوانیا بودند، به تگزاس نقل مکان کرده بودند تا پدر معمارِ دونالد در دانشگاه هوستون به تدریس بپردازد. دونالد نیز در همان شهر، و تحت آموزه‌های کاتولیکی، بزرگ شد. از این رو تأثیرپذیری از فرهنگ تگزاسی و اشاراتی به کاتولیسیسم در خیلی از داستان‌هایش دیده می‌شوند. او نوشتن داستان و سرودن شعر را از دوران دبیرستان، و با سردبیری روزنامه‌ی مدرسه‌اش آغاز کرد. در سال ۱۹۴۹ وارد دانشگاه هوستون شد و به تحصیل در رشته‌ی خبرنگاری پرداخت (نتیجه‌ی این تحصیل، فعالیت‌های پراکنده خبری تا سال ۱۹۵۷ بود). او در دانشگاه سردبیری مجله دانشجویی *Acta Diurna* را به عهده داشت و مجله ادبی *Forum* را نیز در آن جا بنیان نهاد. بارتلمی در سال ۱۹۵۳ برای مدتی کوتاه به ارتش پیوست و در کره و ژاپن خدمت کرد؛ سپس به محیط دانشگاهی برگشت و به عنوان منتقد و دبیر گروه نمایشی با نشریه‌ی *Post* به همکاری پرداخت. او که در سال ۱۹۶۱ مدیریت موزه‌ی

هنرهای معاصر هوستون را به عهده گرفته بود، در سال ۱۹۶۲ به نیویورک عزیمت کرد و با اقامت در آن جا توانست به سرعت سبک و آوای ادبی ویژه‌ی خود را پیدا کند. بارتلمی کارش را در نیویورک به عنوان مدیر اجرایی مجله Location آغاز کرد و پس از چاپ نخستین داستانش در مجله نیویورکر Newyorker به سال ۱۹۶۱، خیلی زود به یکی از نویسندگان دائمی آن نشریه تبدیل شد. او در نیویورکر تجربه‌ی نوآوری‌هایی را آغاز کرد که پیش از آن تنها خاص سینما و گرافیک دانسته می‌شدند.

نخستین مجموعه داستان او با نام برگرد دکتر کالیگاری در سال ۱۹۶۴ منتشر شد، و در سال ۱۹۶۶ از موزه‌ی گوگنهایم بورس تحصیلی دریافت کرد؛ و این شروع روند پربار داستان‌نویسی و نیز کسب افتخارات ادبی متعدد بود. هنگامی که در سال ۱۹۸۰ به تگزاس برگشت تا تدریس ادبیات خلاقه را در دانشگاه هوستون آغاز کند - تدریسی که تأثیر عمیقی بر شاگردان او داشت - علاوه بر کسب افتخارات ادبی بسیار، آثار زیادی را نیز منتشر ساخته بود. او تا زمان مرگش در ۲۳ جولای سال ۱۹۸۹ پانزده کتاب دیگر در هوستون منتشر کرد، و در سال ۱۹۷۲ جایزه‌ی ملی کتاب را به خاطر نوشتن یک کتاب کودک، یعنی ماشین آتش‌نشانی نامنظم، و در سال ۱۹۸۲ جایزه‌ی پن / فاکتر را به خاطر مجموعه‌ی ۶۰ داستان از آن خود کرد. سلطان آخرین رمان اوست که پس از مرگش و در سال ۱۹۹۰ منتشر شد. در سال ۱۹۹۷ نیز مجموعه‌ی از نوشته‌های غیرداستانی او با نام آموزه‌های دون ب. به چاپ رسید. بارتلمی از اعضای آکادمی هنر و ادب آمریکا، و اتحادیه‌ی نویسندگان آمریکا بود. بارتلمی با سبکی مونتازوار - که یادآور کارهای دوس پاسوس است - عبارات و جملاتی را از آگهی‌ها، ترانه‌ها، و تکیه کلام‌های روزمره مردم به کمک می‌گیرد و از دل

این مضامین عاریتی، ساختارهایی نو و چشم‌اندازهایی بکر بیرون می‌کشد. او که شاید بیش از هر نویسنده‌ی دیگری از کیرک‌گور و بکت نقل‌قول می‌کند، آشنایی کاملی نیز با برنامه‌های تلویزیونی و موسیقی محلی آمریکا دارد. با این همه به خوبی می‌توان بین علاقه شخصی او به خوانندگان پاپ و مرکز خریدهای شلوغ آمریکایی - که ترسیمشان جنبه‌ی جذابی به آثار او بخشیده است - با دیگرانی که از این مضامین صرفاً فیلم‌های رده ب و کم‌دی‌های پیش‌پاافتاده می‌سازند، تفاوت گذاشت.

او علاوه بر مونتاز مواد خام دستمایه‌های اجتماعی، سنت‌های داستانی و ساختارهای جان‌فاده‌ی قصه‌گویی در پایان عصر مکانیکی را نیز به سخره می‌گیرد، و همزمان آگاهی تاریخی عصر مدرن را با طنز و موشکافی خاص خود تصویر می‌کند. در آثار او اسطوره‌های کتاب مقدس و مضامین عشقی رقابتی پایه‌پا دارند و مرثیه‌ی هوشمندانه‌یی بر پایان عصر کلان روایات ادبی به شمار می‌آیند. اما باید توجه داشت که سبک او صرفاً در آمیختن و مخلوط کردن کورکورانه‌ی این مضامین نیست. اگرچه خود معتقد است که کلاژ شکل بیانی خاص قرن بیستم است، اما همزمان گوشزد می‌کند که: «این درهم آمیختن کار سختی است که شاید به سوررئالیسمی پیش‌پاافتاده تبدیل شود... ترکیب کردن صرفاً مکانیکی تضادها و تناقض‌ها می‌تواند به بیراهه رود».

مضامین طلاق، سرکوب، و تردید و شک که در سنت رمان‌نویسان رئالیست قرن نوزدهم هم حاضر بودند، به شیوه‌یی - به قول برخی منتقدان - تلگرافی وارد کولاز ادبی بارتلمی می‌شوند. او اگرچه شاید زندگی را غمگین یا پر از ناامیدی می‌بیند اما ترجیح می‌دهد با طنز و بدون اشک و غم از آن یاد کند: «غروب‌ها یأس آوراند. اگر آدم متأهلی باشی

جهان در غروب برایت سرشار از ناامیدی است. شاید به همین دلیل است که به هنر احتیاج داریم تا با امید و امکانات بی‌پایانی که دارد، به زندگی محدودمان رنگی بزند.»

بارتلمی تجربه‌گرایی است که نیازی دائمی به نو شدن دارد. نوگرایی در سبک و انتخاب مضامین، داستان به داستان، خواننده‌ی خو کرده به روایت سنتی را گنج می‌کند. مخالفان او سبکش را به سردی و بی‌اعتنایی متهم می‌کنند، سبکی که به سرعت از روی همه چیز می‌پرد و با ضرباهنگ تند و ناآشنایش مجالی برای آشنایی باقی نمی‌گذارد؛ اما شاید این سردی نتیجه‌ی اشتیاق تجربه‌گرایانه‌ی او در راه رسیدن به آن چیزی باشد که ناباکف «لذت زیبایی‌شناختی» می‌نامدش؛ و خود نیز، انگار در اثبات این مدعا، می‌گوید: «هرچه زمان کم‌تر باشد، چیزها جذاب‌تر می‌شوند.»

هجو و طنزی که در آثار او دیده می‌شود، ریشه در اقتداری علمی/تجربی دارد که به بارتلمی اجازه می‌دهد در عین حال که از بزرگان ادبی زمانه‌ی خود، و نیز فردی دانشگاهی، است اما از موضعی بالا و قدرتمند با هر گونه اقتدار ادبی - چه در زمینه سبک و ساختار و چه در زمینه مرجعیت انسانی - بازی کند. او نه فقط شخصیت‌های داستانی خود و مسائل مورد علاقه‌ی آن‌ها را به هجو می‌کشد، بل که سختی‌ها و سهولت‌های نفس داستان‌گویی را نیز مسخره می‌کند. بارتلمی جد و جهدهای سردمداران عرصه‌ی ادبی را، همراه با دامنه‌ی توانایی‌های زبان در بیان واقعیات، به چالش می‌کشد اما در نهایت با بی‌طرفی کامل قضاوت را در هر مورد به خواننده وامی‌گذارد.

بارتلمی، متأثر از آثار سمبولیست‌های فرانسوی و طراحی‌های پدر معمارش، در داستان‌نویسی نیز پیوسته با مضامین اسطوره‌یی و

تکنیک‌های فضایی کار می‌کند. نگاه او سوررئال، کمیک، و گروتسک‌وار است؛ و بازی‌های زبانی‌اش که به خواننده داستانی نامنتظر و تکه‌تکه هدیه می‌کند باعث شده حتا پیش از این که طبقه‌بندی زمانی مشخصی از پست‌مدرنیسم وجود داشته باشد او را پست‌مدرنیست زمان خودش بدانند. او که خود از نویسندگان مختلفی چون دی. اچ. لارنس، لارنس استرن، خورخه لوئیس بورخس، و جیمز جویس متأثر است، در کنار بزرگانی چون جان بارت، ریچارد براتیگان، رابرت کوور، ویلیام گس، کن کسی، ولادیمیر ناباکف، توماس پینچون، ایشماعیل رید، کورت ونه‌گات، و تام ولف گروهی را تشکیل می‌دهد که در عین تفاوت و گوناگونی‌های سبکی و بیانی‌شان، با تمام اشکال داستانی، زبان، بازنمایی، و هنجارهای از پیش مقرر بازی می‌کنند. به ویژه در زمینه‌ی بازنمایی، آشکارا نثر بارتلمی در عین استقبال از بازنمایی با آن به مخالفت نیز برمی‌خیزد. به همین دلیل است که لری مک‌کافری، منتقد معروف داستان‌های او را «بازنمایی‌های تمثیلی نویسنده‌یی که می‌کوشد در عصر تعلیق زبانی و ادبی داستان‌پردازی کند» می‌نامد. داستان‌گویی بارتلمی متعلق به هر سبکی که باشد - متافیکشن، سورفیکشن، سوپرفیکشن - او عمیقاً درگیر طبیعت قطعه‌قطعه‌ی زندگی روزمره است. اگرچه منتقدانِ خو کرده به مضامین مشخص و طرح داستان‌های خطی، همیشه با او مشکل داشته‌اند ولی منتقدان متأخر و جسورتری که ادبیات او را بازنمایی زندگی قرن بیستم - این قرن مثله شده - دانسته‌اند، حتا او را رئالیست می‌نامند.

بارتلمی نویسنده‌ی مردد تردیدهاست، و در پی آن تلاش می‌کند تا تردیدهای ادبی و زبانی را داستانی کند. گرچه نوشتار بارتلمی وابستگی زیادی به روح زمانه‌ی او دارد اما تأثیری که نثر خلاقه و گستاخانه‌اش بر جهان ادبیات گذاشته، از نسل نویسندگان دهه ۷۰ فراتر رفته و تازگی و

غرابت خود را برای سال‌های آتی نیز حفظ می‌کند. علاوه بر این، او پیش از وضع اصطلاحات و ابداعات جدید اجتماعی با تیزهوشی پیدایش آن‌ها را پیش‌بینی می‌کند. تأثیر و تأثر متقابل او با دگرگونی‌های زمانه، باعث شده تا بارتلمی در جهان ادبی‌اش بر لبه تیغ حرکت کند: با این که هیچ‌گاه نمی‌تواند از تأثیر مدهای زمانه‌ی خود بر امان باشد اما هیچ‌گاه هم وارد این جهان مد نمی‌شود. نوعی درگیر بازی بودن اما وارد بازی نشدن.^{۱۲}



پس از مجموعه داستان زندگی شهری (بازتاب‌نگار، ۱۳۸۱) این دومین مجموعه داستانی است که از بارتلمی به فارسی برمی‌گردانم. داستان‌ها را از مجموعه‌های مختلف انتخاب کرده‌ام: «شهر کلیساها» از کتاب اندوه، «جدایی‌ها» از کتاب ۴۰ داستان، «زن تسخیر شده» از کتاب آماتورها، «بعضی از ما دوست‌مان کلبی را تهدید کرده بودند» از کتاب آماتورها، «رگبار طلا» از کتاب شب روی شهرهای دور، «اولین کار بدی که بچه کرد» از کتاب شب روی شهرهای دور، «آغوش معرکه» از کتاب آماتورها، «خواننده‌ی جاز» از کتاب روزهای بزرگ، «نوازنده‌ی پیانو» از کتاب ۶۰ داستان، «ظهور سرمایه‌داری» از کتاب اندوه، «مرد شنی» از کتاب اندوه، «زامبی‌ها» از کتاب روزهای بزرگ، «نامه‌ای نوشتم» از کتاب آموزه‌های دون ب.، «هیأت اعزامی» از کتاب لذات گناه.

حتا اگر دستاویز تازگی و غرابت همیشگی داستان‌های -امروز سی، چهل ساله - او را بپذیریم، به گمانم بازی‌های بارتلمی برای برخی از ما هنوز زیاده غریب است. از سویی باید پذیرفت که سبک و سیاق این قبیل

* در نگارش این یادداشت از منابع گوناگون از جمله پایگاه‌های اینترنتی بهره گرفته‌ام.

داستان‌ها برای خواننده‌ی عام انگلیسی زبان هم چندان مقبول نیست و شاید یکی از دلایل عنایت خوانندگان آمریکایی‌ها به آثار او بازیافتن مضامین زندگی روزمره‌ی خودشان در این داستان‌ها بوده است: تناقضی که هم‌زمان پذیرش این داستان‌ها را برای خواننده‌ی غیرآمریکایی کمی دشوارتر می‌کند. از سوی دیگر، نوشتار او نوشتاری چندلایه است که دستیابی به سطوح مختلف آن بستگی به پس‌زمینه‌ی مطالعاتی مخاطب دارد: خواننده‌یی که صرفاً به خواندن و لذت بردن اولیه از داستان می‌اندیشد - امری که به واقع حتماً اگر نه مهم‌ترین، اما یکی از مهم‌ترین دلایل خواندن متن است - می‌تواند در لابلای این روایات بکر و غریب منظور خود را پیدا کند؛ اما خواننده‌یی هم که سطح توقعی بیش‌تر یا دانشی تخصصی‌تر داشته باشد، ناگهان در پس لایه‌ی نخست داستان با دانشمندی روبرو می‌شود که احاطه‌ی حیرت‌انگیزی بر فلسفه، علم ادیان، تاریخ، و اسطوره‌شناسی دارد. در واقع آثار بارتلمی دست مخاطب را برای هر نوع واکنشی باز می‌گذارند؛ و چالش اساسی برای خواننده هم همین جا شکل می‌گیرد. به هررو امیدوارم فرصت و فراغت پرداختن به دیگر آثار دونالد بارتلمی فراهم باشد، و بتوان بخش‌های دیگری از جهان ادبی او را نیز معرفی کرد.